

بازنمایی زن در اشعار شیرکو بی کس

حسین محمدزاده^۱

چکیده

شیرکو بی کس یکی از شاعران نامدار کرد است که بیش از چهل اثر ادبی را در طول پنجاه و پنج سال حیات ادبی به نگارش درآورده است. شعر او شرح داستان زندگی اجتماعی و رنج زیستن و تلاش انسان کرد در دوران دولت ستمگر عراق است. او در اشعار خویش به موضوعات متنوع و مختلفی پرداخته است که یکی از آن‌ها زن و مسئله زنان است. هدف این تحقیق جستجوی بازنمایی زن در شعر این شاعر است. مبانی نظری تحقیق ریشه در دیدگاه بازنمایی دارد. روش انتخاب شده در این پژوهش تحلیل محتوی کیفی است. جامعه آماری تحقیق شامل مجموعه دو/وین شاعر در هشت جلد چاپ ۲۰۰۹ است. برای اطمینان از درک درست محتوی دو جلد کتاب «خاطرات شیرکو^۲» و کتاب «۹۵۵ دقیقه مصاحبه با شیرکو» نیز بررسی شده است. محتوی آثار نشان می‌دهند که زن یکی از موضوعات پایدار در شعر این شاعر است. در آثار شیرکو زن در هفت مقوله و الگو به‌مثابه مادر، همسر، معشوق، رفیق، انقلابی، مسئله اجتماعی و انسان بازنمایی شده است. شعر او سرشار از احساس زیبایی، درد و رنج زنان و احساس همدردی با زنان است. تصویر زن از نگاه شاعر در تمام موارد مثبت و انسانی است و کمتر به ابعاد منفی آن‌ها توجه شده است. او یکی از وظایف هنر را جهت‌گیری نسبت به حق زنان تعریف می‌کند و در عین حال معتقد است جایگاه و مقام زن در یک کشور شاخصی از توسعه آن جامعه است.

کلید واژگان: بازنمایی، زنان، شعر، شیرکو.

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۱۰ - 2020/03/20

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۲۷ - 2020/06/16

مقدمه و بیان مسئله

شعر یکی از اولین دستاوردهای بشری در حیطه کلام است. بوطیقا بنا به تعریف آشنازدایی در گفتار عادی است. در این ژانر آراستن سخن به منظور انتقال پیام به دیگری است. در این فرایند ارتباطی نویسنده هدفی دارد تا پیام خاصی را به مخاطب منتقل کند. این پیام رسانی به یک وادی محدود نبوده و در طول حیات بشری بخشی از تاریخ شفاهی و نوشتاری از راه شعر منتقل شده است.

شعر فقط ذهنیت نیست و ریشه در واقعیت بیرونی و بستر اجتماعی دارد. «شعر در یونانی به معنای ساختن است» (سر، ۱۳۸۵: ۴۲). بازنمایی همان ساختن است. به زبان امروزی شعر یک نوع بازنمایی از مسیر ذهن و زبان است. در این بازنمایی تصویری دیگر از اشیاء، اشخاص و حوادث ساخته می‌شود. هدف این تغییر کلام برای دگرگونی و تأثیرگذاری است. در واقع بازنمایی آینه طبیعت نیست و گاه گزینشی در آن صورت می‌گیرد که ممکن است ناشی از خواست قدرت و منافع فردی و گروهی باشد. این بازنمایی ممکن است موضوعی را کوچک یا فرجه، زشت یا زیباتر از واقعیت نشان دهد. در این بازنمایی ممکن است مطلبی حذف شود و مطلبی به تقلب به جای آن جا زده شود. زن و طبیعت از مضامین همیشگی هنر و ادبیات بوده است. در این بازنمایی مقام زن ممکن در اشکال مختلف، برابر و هم‌شان با مرد و یا نا یکسان و کمتر و پایین‌تر از مرد به تصویر کشیده شود.

حیات بشری بدون حضور دو جنس زن و مرد بی‌معنی است. علیرغم نوسانات و تغییرات دیالکتیکی میان روابط زن و مرد، مرد بدون زن و زن بدون مرد تاکنون نتوانسته است به زندگی ادامه دهد؛ اما این همراهی اکثراً نامتعادل و ناهماهنگ و به عبارتی دارای یک نقص یا یک پس‌افتادگی بوده است. در واقع زنان به‌عنوان عضوی حیاتی از جامعه در بخش زیادی از تاریخ بشری در جایگاه و مقام شایسته خویش قرار نگرفته‌اند. این مسئله در روزگار کنونی به‌عنوان مشکلی اجتماعی و فرهنگی و سیاسی تعریف می‌شود و به همین خاطر «میزان آزادی و عدالت زنان در هر جامعه‌ای به‌عنوان یک شاخص توسعه مدنظر قرار گرفته است» (آبوت، والاس، ۱۳۸۳: ۱۴).

شعر به‌عنوان یکی از ژانرهای ادبیات نسبت به مساله زنان بی تفاوت نبوده است. «ادبیات که رابطه‌ای دوسویه با جامعه دارد نقش و جایگاه اجتماعی زن در آن انعکاس می‌یابد» (Segal & Demos, 2018). اما این حضور و بازتاب همیشه آینه واقعیت نبوده و تصویرهای مختلفی از زن در ادبیات انعکاس یافته است. شاعران بنا به ذوق و شرایط اجتماعی خویش تصاویر مختلفی از زن ترسیم کرده‌اند. بعضی از شاعران بزرگ فقط خالق زیبایی گفتار نبوده بلکه به‌عنوان فیلسوف و آموزگار در جامعه نقش ایفا کرده‌اند. «تمام شاعران بزرگ تاریخ به‌نوعی متفکرانی بزرگ بوده‌اند» (آدونیس، ۲۰۰۸: ۵۳).

شیرکو بی‌کس (۱۹۴۰-۲۰۱۳) یکی از شاعران معاصر کرد است که حوادث، تغییر و تحولات اجتماعی و سیاسی در آثارش نقشی پررنگ دارد. او شاعری است دردمند و متعهد است که بخشی از شعرهایش به زبان‌های مختلف ترجمه شده و خوانندگان وسیعی در عرصه گیتی دارد. شیرکو نه‌فقط

با شعر و کلام بلکه به صورت عملی درگیر مبارزه سیاسی و اجتماعی بوده است. شیرکو با چهره‌ای جهانی در عرصه فرهنگ (ورزنده، وفایی، ۱۳۹۴). یکی از نوادر روزگار، فرهنگ‌ساز و نظریه‌پرداز (علمی، ۱۳۹۴) و یکی از راویان رؤیای انسان معاصر (صالحی، ۱۳۹۲) است.

بازتاب زن در شعر این شاعر قابل بررسی از زوایایی مختلف است. چراکه شیرکو در طول حیات خویش یکی از مدافعان حقوق زن بوده است (شیرکو، ۲۰۱۳). زن یکی از سوژه‌های جاویدان شعر اوست و چند دیوان را به طور اخص گردنبد (۲۰۰۹) و «هم‌اکنون دختری میهن من است» (۱۳۹۴) و «زن و باران» (۱۳۹۵) را به مسئله و مشکل اجتماعی زن اختصاص داده است. او در مقدمه کتاب گردنبد می‌نویسد: «گردنبد کتاب زن است. کتاب دنیای خاکستری و سرشار از رنج و درد و فریاد آنان است، چه در این سرزمین و چه در خاورمیانه تاریک» (شیرکو، ۲۰۰۹: ۶). کتاب شعر «خودم... آنگاه که پرند هستم» (۲۰۰۲) را به مادرش تقدیم کرده است. به طور کلی تصویر زن در آثار او متنوع و درعین حال متغیر بوده است؛ یعنی در طول بیش از ۵۵ سال تولید ادبی و خلق بیش از چهل اثر شعری، تصویر زن در این آثار نه تنها حذف نشده است بلکه پررنگ هم شده است. این شاعر در سال ۲۰۱۳ فوت نمود و طبق وصیت خویش آرامگاه او در پارک آزادی سلیمانیه جایی گرفت:

وقتی شاعری می‌میرد، هیچ اتفاقی نمی‌افتد

فقط ماه

آه عمیقی می‌کشد

چراکه مرگ شاعر

نزدیک‌ترین حادثه به زندگی است.

هدف این تحقیق جستجوی تصویر و جایگاه زن در آثار شیرکو بی‌کس است. از آنجاکه شیرکو در شعرهایش نه از زن بلکه از زن/ها سخن به میان می‌آورد این تحقیق به دنبال دو پرسش ذیل است:

- ۱- زن در چارچوب کدام الگو در شعر شیرکو بازتاب یافته است؟
- ۲- بازنمایی این الگو/ها در اشعار شیرکو از نظر هنجاری (مثبت یا منفی یا خنثی) چگونه است؟

پیشینه پژوهش

گرچه شعر این شاعر به زبان‌های مختلفی ترجمه شده است و کارهای وسیعی در مورد آثارش انجام شده است که اصولاً دسترسی و تحلیل کل این آثار برای محقق مقدور نیست. در این کار بیشتر

به کارهای توجه شده است که به دو زبان کردی و فارسی و به صورت روشمند انجام شده است. هر چند به صورت خاص در مورد بازنمایی زن در آثار شیرکو، پژوهشی صورت نگرفته است.

ایرانی و کنعانی (۱۳۹۶) به بحث مضمون‌آفرینی شعر شیرکو در داستان پیامبران پرداخته و گفته‌اند شیرکو در شعر خویش مضامین و مفاهیم دینی در مورد مسائل اجتماعی و انتقادی به کار گرفته است. تباری، پارسا و گذشتی (۱۳۹۶) در یک کار پژوهشی به «بازتاب و انعکاس اوضاع اجتماعی در شعر شیرکو» پرداخته‌اند. جامعه آماری این تحقیق اشعار ترجمه‌شده شاعر به زبان فارسی بوده و روش تحلیل محتوی برای تحلیل آثار به کار گرفته شده است. محققان بر این باورند که رژیم بعث عراق باعث ترس و رنج بسیاری در این کشور بوده و این درد و رنج در آثار شیرکو انعکاس یافته است.

پشابادی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای تطبیقی با عنوان «تخیل خلاقانه و تصویرپردازی مبتنی بر آن در شعر شیرکو بی‌کس و محمود درویش» به مقایسه دو اثر *مدیح الظل العالی درویش* و شعر *دره پروانه‌های شیرکو* پرداخته است. روش ایشان تحلیلی توصیفی بوده و برای ادامه کار از هر شاعر، یک شعر بلند را به‌عنوان نمونه انتخاب نموده است. از نظر این محقق استفاده‌ی ماهرانه و شاعرانه از خیال و تخیل پردازی در شعر شیرکو بی‌کس بسیار پررنگ‌تر و متنوع‌تر از شعر درویش است.

مالمیر (۱۳۹۶) به «مطالعه تطبیقی دو مقوله عشق و سیاست در اشعار شیرکو بی‌کس و حمید مصدق» توجه نموده است. از نظر این محقق هر دو شاعر به دو مقوله عشق و سیاست در آثار خود پرداخته‌اند اما در مورد مسائل سیاسی مصدق اشعار سیاسی را بعد از ۲۸ مرداد به صورت غیرمستقیم بیان داشته است ولی شیرکو بیشتر به صورت واضح این مسئله را بیان داشته است. همچنین در یک سیر تاریخی عشق در آثار مصدق پررنگ‌تر شده ولی در آثار شیرکو در خدمت مسائل میهنی قرار گرفته است.

سجادی (۱۳۹۶) در یک مقاله تحقیقی به «مقایسه ویژگی‌های سبک‌شناختی دو مکتب روانگه و کفری با توجه به اشعار شیرکو بی‌کس و لطیف هلمت» با استفاده از مبانی نظری دکتر شمیسا از ابعاد زبانی، فکری و ادبی پرداخته است. دلایلی میلان و فهری (۱۳۹۷) به «بررسی بازتاب نمادهای اسطوره‌ای در اشعار احمد شاملو و شیرکو بی‌کس» پرداخته‌اند. از نظر این محققان هر دو شاعر در خدمت مردم خویش بوده و از نمادهای برای بیان مسائل خویش سود جستند. در این میان شاملو از اسطوره‌های ایرانی و جهانی و شیرکو از اسطوره‌های کردی و جهانی سود جستند.

باخان احمد (۱۳۹۷) در یک مقاله پژوهشی به «بررسی سه تم پیری، تنهایی و مرگ در دو شعر شماره ۱۹ از دیوان پنجاه شعر سیار و پاییز در پاییز شیرکو» پرداخته و درون‌مایه این سه مفهوم و ارتباط نزدیک میان آن‌ها را خصوصاً برای مخاطبان شاعر روشن ساخته است. چند محقق دیگر در

کردستان عراق از جمله لقمان رئوف (۲۰۱۳، ۲۰۱۵) به تشریح ابعاد این شعری او از نظر مفاهیم ادبی و زیبایی‌شناختی پرداخته‌اند.

تحقیقات دیگری در ایران به بازنمایی زن در ضرب‌المثل عربی، کردی، لری پرداخته‌اند (ملکی، ۱۳۸۹؛ خزلی و سلیمی، ۱۳۹۵؛ حیدری و دیگران، ۱۳۹۶؛ محمد پور و دیگران، ۱۳۹۱) که در این ضرب‌المثل‌ها جایگاه زن یا فرودست و در بعضی ضرب‌المثل‌ها مثبت و در برخی منفی بوده است. هیچ آثار پژوهشی درباره بازنمایی زن در شعر شیرکو در دسترس محقق نبوده و علیرغم نتایجی مقبول، نوعی تودرتویی و ابهام در روش‌های محققان دیده می‌شود.

مبانی نظری

در این تحقیق قصد ما نادیده انگاشتن مبانی نظری جامعه‌شناسی ادبیات نیست که به رابطه و همسویی و تأثیر تحولات اجتماعی بر ادبیات و ادبیات بر جامعه می‌پردازد. شعر در مقوله زبان و چون حامل پیام و به‌عنوان کنش کلامی می‌تواند موضوعی اجتماعی باشد (تامپسون، ۱۹:۱۳۹۶، عسگری، ۱۳۹۶:۶۴، هولستی، ۱۳۸۳).

شعر به‌عنوان یک ژانر ادبی، می‌تواند در قالب «هنر برای هنر» و «هنر برای اجتماع» دسته‌بندی شود. در واقع فکر ما متوجه نوع دومی است که همان شعر اجتماعی بوده و انعکاسی از مسائل اجتماعی و ذهنیت و خلاقیت هنرمند یا شاعر است. شیرکو شعر خود را پیام و در واقع یک وسیله ارتباطی تعریف می‌کند. وسیله‌ای که نگرش و جهان‌بینی شاعر را نسبت به مشکلات اجتماعی انعکاس می‌دهد. وسیله‌ای که از مسیر آن در پی ایجاد تغییر و دگرگونی در نگرش‌ها و رویکردهاست. بازنمایی یکی از مفاهیم اصلی در مطالعات رسانه‌ای است. بازنمایی طریقی است که نویسنده به شیوه‌ای خاص واقعیت، حادثه یا شخصیت‌ها را نمایش می‌دهد. بنا به تعریف «بازنمایی مجموعه‌ای از فرایندهاست که از طریق آن، اعمال معنادار یک شیء یا رفتار در دنیای واقعی را توصیف یا معنا می‌کنند. از این‌رو بازنمایی عملی نمادپردازانه است که دنیای موردنظر مستقلاً را انعکاس می‌دهد» (بارکر، ۱۳۸۷:۱۷۷). بازنمایی یک سیستم است که در آن فرستنده، گیرنده، پیام، قدرت، هویت نهفته است. بازنمایی سیال است. در واقع بازنمایی به‌هیچ‌وجه امری طبیعی و خنثی نیست (قره‌باغی، ۱۳۸۳:۴۱).

مشهورترین نظریه‌پرداز مبحث بازنمایی استوارت هال است. ایشان نظریه‌های بازنمایی را در سه گروه دسته‌بندی می‌کند: بازتابی^۱، تعمدی^۲ و برساختی^۳ (هال، ۱۳۹۱). از نظر هال بعد برساختی «منطبق با ویژگی عمومی و اجتماعی زبان است» (سینا، ۲۹:۱۳۹۶). در نگاه هال بازنمایی به واقعیت

1. Reflexive
2. Intentional
3. Constructive

معنا می‌بخشد؛ یعنی بازنمایی کارگاه تولید معنا است. از نظر هال «معنا متغیر است، در ارتباط با زمان و در ارتباط با قدرت» (مهدی زاده، ۱۳۸۷: ۱۶).

به همین خاطر بازنمایی امری مصنوعی است که دارای کارکرد است. هر چند در نگاه هال بازنمایی از مسیر و خواست قدرت انجام می‌شود اما از نگاه ما این بازنمایی (با ادبیات مارکس) درجایی ممکن است مثل آگاهی کاذب و درجایی مثل آگاهی رهایی‌بخش عمل کند. شعر اجتماعی رسانه معناداری است که خواهان ایجاد یک تغییر یا جلوگیری از تغییری است. بدین شیوه شعر به‌عنوان رسانه دارای قدرتی است که می‌تواند بر مخاطب و جامعه تأثیرگذار باشد. ادبیات به‌عنوان آفرینش ادبی می‌تواند بازتابی از جامعه یا بازتابی از ذهنیات نویسنده و یا اینکه ناشی از دیالکتیک شرایط اجتماعی و قصد نویسنده باشد. ما در این تحقیق به این بعد سوم توجه داریم و با نگاه آدونیس معتقدیم «ادبیات نه آینه بلکه چراغ هم هست» (آدونیس، ۲۰۰۸).

در بخشی از دانش اجتماعی و خصوصاً دیدگاه‌های فمینیستی بین جنس (زیستی) و جنسیت (فرهنگی) فرق وجود دارد (نرسیسیانس، ۱۳۸۳: ۱۰؛ هام، ۱۳۸۲، آبوت، والاس، ۱۳۸۳). مدافعان حقوق زن به بحث بازنمایی زن در هنر و رسانه معترض هستند. نظریه‌های فمینیستی که در چهار گروه اصلی دسته‌بندی می‌شوند در یک مورد نظر مشترکی دارند و آن هم فرودستی زنان است. همه آن‌ها در این امر متفق‌القول هستند که فرادستی مردان ناشی از قدرت مردان است. این قدرت ممکن ناشی از فیزیک بدنی، اقتصاد، قدرت سیاسی، نفوذ اجتماعی و یا فرهنگی باشد.

زنان فمینیست معتقدند رسانه به‌عنوان امری فرهنگی خنثی نیست و در بازنمایی جایگاه زن و مرد نقش آفرین است. دیدگاه هال هم ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که فرهنگ خنثی نیست. در دل فرهنگ قدرت نهفته است؛ و این فرهنگ در فرایند بازتولید شرایطی است که جایگاه خویش را حفظ کند. یکی از حوزه‌های بازنمایی مربوط به هویت جنسی است. بحث بازنمایی زنان، بیشتر نظر به قدرت فرهنگی است که دو جنس را مطابق اهداف خویش به تصویر می‌کشد. در این پژوهش ما در جستجوی تصویر زن در شعر شاعری هستیم که نه از جایگاه قدرت بلکه از منظر مقاومت قلم در دست گرفته است.

روش تحقیق

روش این تحقیق تحلیل محتوا است. «تحلیل محتوا روشی است که به بررسی و مطالعه اسناد و پیام‌های آن می‌پردازد و دارای سه ویژگی عینیت، انتظام و عمومیت است» (هولستی، ۱۳۸۰: ۱۴). تحلیل محتوا در واقع روشی برای پی بردن به مضمون و فحوا متن است که به دو صورت کمی و کیفی قابل انجام است.

«تحلیل محتوای کیفی استنباط نتایج بر اساس وجود یا عدم ویژگی در پیام است» (ازکیا، دربان آراسته، ۱۳۸۲: ۳۹۰). به عبارتی تحلیل محتوی کیفی به‌منظور بررسی پیام‌های اصلی و اساسی معانی

توسعه‌یافته است. بدین ترتیب تحلیل محتوای کیفی شامل یک فرایند طراحی‌شده برای متمرکز کردن داده‌های خام به سمت موضوعات و طبقه‌بندی‌هایی بر اساس استنباط و تفسیر معتبر هست در این‌گونه بررسی‌های کیفی، هدف آن است که تأثیر متن‌های موردنظر بر روی گیرنده پیام (خواننده، شنونده، بیننده) سنجیده شود و این از آن طریق انجام می‌گیرد که محقق بار ارزشی مفاهیم و عبارت‌های بکار برده شده را بررسی و شمارش می‌کند.

جامعه آماری این پژوهش شامل مجموعه هشت‌جلدی آثار شاعر به زبان اصلی است. برای این منظور کل آثار شیرکو در چهار اثر (چاپ‌شده در هشت جلد) او بررسی شده است. نمونه در تحقیق کیفی شامل متن‌های انتخاب‌شده هدفمند است که می‌تواند به سؤالات تحقیق شکل ببخشد. واحد محتوی در تحقیق کیفی ممکن است لغت، جمله و پاراگراف باشد. در این تحقیق هر جا شعری در مورد زنان گفته است یا اسمی از آن‌ها به میان آمده است مورد تفسیر قرار گرفته است. در این کار بیشتر به نام زنان، نقش زنان، حوادث مربوط به زنان و شخصیت آنان توجه شده است. پس از جمع‌آوری و دسته‌بندی شعرها با روش تحلیل محتوی کیفی الگوهای مناسب با محتوی شعر در کار شیرکو استخراج شده است. در همین راستا و برای اطمینان بیشتر از برداشت پژوهشگر دو جلد «خاطرات شیرکو» (۲۰۱۳) و «۹۵۵ دقیقه گفتگو با شیرکو» (۲۰۱۴) نیز مرور شده است و در بررسی موضوع از کلام خود شاعر در مورد زن سخن به میان آمده است.

بررسی موضوع

حجم اشعار شیرکو بسیار گسترده است. شیرکو در این آثار به‌طور وسیعی از زیبایی زن، شجاعت زن، دوستی زن، ظلم مرد بر زن سخن گفته است. در این آثار از شخصیت قدرتمند و زنان نامی مختلفی نام برده است که بخشی ساکن کردستان عراق و بخشی در اقصی نقاط جهان پراکنده‌اند. وجه اشتراک آنان در بخش اجتماعی مشابه است. آن‌ها دارای زیبایی و درد مشترک‌اند. غالب این زنان مورد ستم مردان و سیستم‌های متفاوت سنت و قدرت هستند؛ و در عین حال بخشی دیگر درگیر مبارزه در راه آزادی هستند. بعضی از این زنان دوستان و رفقا شاعر هستند.

زن در اشعار شیرکو در نقش‌ها و اشکال مختلفی بازتاب یافته است که در کل قابل تقسیم به دو بخش نقش‌های سنتی و مدرن است. در بخش سنتی یعنی زن به‌عنوان یار و زن به‌عنوان مادر در همان نقش‌های عاطفی و خانوادگی سابق منتهی در قالبی نو بیان شده است؛ اما در بخش دیگر زن دارای چهره دیگری است. او یک انقلابی حق‌طلب است که برای آزادی ملتی یا برای حقوق و آزادی زن در تلاش است. یا زنی است که توسط مرد مورد ستم قرار می‌گیرد. یا انسانی که حق و حقوق او نادیده انگاشته شده است. از نظر او بهترین خط‌کش و شاخص برای اندازه‌گیری پسرفت یا پیشرفت یک جامعه توجه به جایگاه زن در آن جامعه است.

شیرکو در اشعار خویش به توصیف خصوصیات جسمی و رفتاری زن و مادر و دوست خویش پرداخته است بلکه و از طریق بازنمایی به تصویری مثبت از زیبایی و توانایی‌های آنان و مشکلاتشان پرداخته است. به عبارتی شیرکو نازیبایی‌ها، زشتی و رفتارهای منفی زنان را بازنمایی نکرده است. شیرکو در مورد زنان زیادی شعر گفته است که به صورت نظری در قالب هفت الگو دسته‌بندی شده‌اند.

۱- زن به مثابه مادر

یکی از تصویرهای که در شعر شاعر نمایان است تصویر مادر شاعر است. شیرکو در شعر خویش به بازتاب روایتگری، هوشمندی و حمایت بی‌دریغ مادرانه مادر خویش پرداخته است و تصویری افسانه‌ای از او ترسیم کرده است. مادر شیرکو نقشی برجسته در زندگی او داشته است او می‌گوید «اگر زندگی من به مثابه یک رمان تعبیر شود، مادرم قهرمان اصلی آن است» (شیرکو، ۲۰۱۳: ۴۲۱). او مادرش را نه فقط یک قهرمان بلکه یکی از معلمان زندگی‌اش می‌داند. شفیعه سعید مادر شیرکو فردی باهوش و قصه‌گو بوده و داستان‌های مختلف فلکلوریک را برای او بازگو کرده است. پدر شیرکو در ۸ سالگی می‌میرد و هنگامی که او ۱۴ ساله است مادرش مجدداً ازدواج می‌کند. شیرکو از هر دو حادثه بسیار متأثر می‌گردد. هم پدر و هم مادر به کرات در آثار شیرکو ظاهر می‌شوند و هر چه زمان می‌گذرد نقش مادر پررنگ‌تر می‌شود.

در مصاحبه‌ای دیگر درباره مادرش می‌گوید: «مادرم هرگز تندخوی نبود، شفیعه سعید جان، نماز می‌خواند و روزه می‌گرفت» (هینی، ۲۰۱۵: ۳۳۹). به همین خاطر است در شعرهای مختلف می‌توان رد پای مادرش را یافت. وقتی که شیرکو به ناحیه «هیت» در استان «رمادی» در جنوب عراق تبعید می‌شود در چند شعر بلند از مادرش یاد می‌کند. از هنگامی که پدرش فوت شده و او کودکی بیش نبوده است. یکی از آن‌ها شعر بلند (برایموک^۱ و ترانه‌های برف و کودکیم) است و در بخشی از آن چنین می‌سراید:

در یک صبحدم که چشمانم را گشودم

دیدم نرم نرمک.. آرام.. آرام

آسمان چیز سپیدی در حیات فرومی‌ریزد

فریاد زدم مادر: مادر بیا ..شکر می‌بارد

نه این برف است پسر.. برف

مادر این مهمان جدید اولین بار است که من می‌بینم

مادر زیباست!

... برف می‌بارد ... برف اشک سفید ابرهای فرشته است مثل مادرم...

۱. یک اسم است و به معنای ابراهیم کوچک است. نام یکی از بیت‌های قدیمی است. بیت‌ها داستان‌های حماسی یا عاشقانه هستند که معمولاً از سویی بیت خوانان نقل می‌شود. بخشی از این بیت‌ها توسط اسکارمان و در زمان مظفرالدین شاه تحت عنوان تحفه مظفریه گردآوری شده است.

و دنیا پالتویی سفید کلفتی پوشیده است
 شب سفید است، برف سر بچه‌ها، مثل موی پدر بزرگ سفید، کوچه سفید، همه چیز سفید
 اما پیراهن مادرم سیاه است (شیرکو، جلد دوم، ۲۰۰۹: ۶۷۹).
 در این تصویر سیاه سفید شیرکو همه چیز را سفید می‌بیند غیر از پیراهن مادرش که سیاه است.
 آن‌هم نشانه‌ای از فقدان پدر است و عواقبی که متوجه خانواده شده است.
 وقتی شیرکو به روستای «بغدادی»^۱ در بخش «هیت» عرب نشین عراق تبعید می‌شود همدمی
 می‌یابد و با آن به صحبت می‌نشیند. این همدم و هم‌نشین رودخانه فرات است که بخشی از خاطرات
 و غم‌ها و دوری غربت شیرکو را با خود دارد. او از خیلی رازها با فرات سخن می‌کند. می‌گوید مادر
 همین که رودخانه «فرات» از نزد من می‌گذرد غصه نخور فکر کن خود خودت اینجا هستی. «سیروان
 رحیم» فیلم‌سازی است که از نزدیک با شیرکو در تماس بوده است و با خانواده آن‌ها آشنایی کامل
 داشته است. سیروان در ارتباط با شیرکو و مادرش می‌گوید: «من به روشنی ارتباطی قوی و مهم میان
 این دو انسان می‌دیدم، دو انسان که جدای از رابطه مادر- فرزند در یک ارتباط بسیار دوستانه و
 عاطفی استثنایی باهم بودند» (نقل در شالو، ۲۰۱۴: ۳۹).
 شیرکو در غم مادر و مادر در غم شیرکو شریک است. رنج خانواده و رنج قومی بر هر دوی آن‌ها
 سنگینی می‌کند. شیرکو به مادر کمک می‌کند و مادر به شیرکو. گاه که انسان از زمین و زمان ناامید
 می‌شود به خدا پناه می‌برد. شیرکو از زبان مادرش و یا مادرش از زبان شیرکو می‌گوید:
 آخ خدای بزرگ آخ
 کی دیداری از کردستان خواهی داشت!
 این است حرف هر روز مادرم (شیرکو، جلد دوم، ۲۰۰۹: ۵۵۶).

۲- زن به مثابه همسر

بازنمایی همسر در شعر شیرکو در طی زمان در نوسان بوده است. در دیوان‌های اولیه (تلاوشعر)
 همسر به‌عنوان معشوقه و در طی دوران مبارزه و غربت به‌عنوان همراه و پشتیبان بازنمایی شده است.
 نسرین خانم زن شیرکو است. او شخصیتی ساکت اما بسیار تواناست که در پیشرفت و همیاری شیرکو
 و مسئولیت خانواده نقشی بزرگ داشته است. شیرکو در اشعار خود به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از
 همسرش یاد می‌کند در بعضی از شعرها به‌طور آشکار از او سخن می‌گوید و گاه در خفا. گاهی این
 شعر عاشقانه است و گاه بسیار دوستانه و گاه احترامی است به نقش او در پشتیبانی از شیرکو و
 حفاظت از خانواده. مطلع اولین دیوان شعری شیرکو به نام «تلاءلو شعر» بانام او شروع می‌شود. شعر

۱. روستای در جنوب عراق و در کنار رود فرات. جالب است که مایاکوفسکی در روسیه در مکانی به نام بغدادی متولد شده است (شیرکو، خاطرات، ۲۰۱۲).

شیرکو برای ن یا نسرين است من اولین شعرم را در دیوان اولم برای او نوشتم، نوشته بودم برای (ن) عزیز (هینی، ۲۰۱۵: ۲۱۴، شیرکو، جلد یک، ۲۰۰۹: ۱۷).

شیرکو فردی عادی نبوده و یک زندگی عادی نداشته است. او گرچه فردی بسیار مهربان بوده است اما به خاطر دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی خیلی کم نزد خانواده بوده است. شیرکو یک‌بار در دوران مجردی به صفوف انقلابیون می‌پیوندد. هنگامی که در سال ۱۹۸۴ که برای دومین بار به صفوف رزمندگان باز می‌گردد متأهل است و می‌داند که بخش عظیمی از مشکلات خانواده را بر دوش همسرش گذاشته است و می‌نویسد «زن افرادی مثل ما نه تنها سودی از ما ندیدند بلکه عامل رنج و محنت نیز برایشان بوده‌ایم؛ اما علیرغم این موارد آن‌ها ما را می‌خواستند، خود را نباخته و با رنج ما ساخته‌اند. آن‌ها پیام ما را همچون پیام خویش می‌پنداشتند» (شیرکو، ۲۰۱۳: ۳۵۳). شیرکو وقتی به جنوب عراق تبعید می‌شود بعد از مدتی او را مجبور می‌کنند که زن و بچه‌هایش را به تبعید ببرد. نسرين با عزمی راسخ در کنار او قرار می‌گیرد و در کنار این پشتیبانی تن به کار جسمی سختی می‌دهد.

شعر «آهوی خسته» در دیوان «الوان» از خانمی سخن به میان می‌آورد که با سطل از فرات آب می‌آورد.

از فرات باز می‌آبی دارم می‌بینم
از میان نور خورشید بر جنگل خرما
کشان کشان، می‌گذری
بخشی از تنت در سایه
و نیمی را که نور خورشید بر آن می‌رقصد
در راهی
کشان... کشان
به سان آهوی خسته می‌مانی
دودست سطل گرفته
شل می‌شود و توقفی کوتاه.
هم‌اکنون درست و روبه‌رویم ایستاده‌ای
مثل گل سرخ ختمی می‌مانید
که شبنم بر آن پاشیده باشند
آه ای زن غمناک دل من
عشق تو و آب فرات
گر نبودید
هرگز... هرگز

این شعر متولد نمی‌شد (شیرکو، جلد دو، ۲۰۰۹: ۹۷).

شیرکو در گفتگو و خاطراتش با بزرگی از نسرین یاد می‌کند و می‌گوید من خاطی هستم اما نسرین را بزرگ و وارسته تعریف می‌کند: «نسرین هرگز مرا به پرسش نگرفته است چرا این نکته را نوشتی! آن زن کیست؟ منظورت چیست؟ او زمینه را برای نوشتن من مهیا می‌سازد» (هینی، ۲۰۱۵: ۱۱۲).

نسرین گرچه زن ساکتی است اما زن ساده‌ای نیست. او می‌داند چنین مردی به زنی صبور و قدرتمند نیازمند است. نسرین می‌گوید: «ما زیاد باهم نبودیم، گاه مدت‌ها از هم فاصله داشتیم. من مانع او برای پیوستن به مبارزه نبودم. من می‌دانستم او این کار را می‌کند. او نمی‌توانست به مبارزه نپیوندد. در کشور سوئد به من گفتند آخرین بار کی همسرت را دیدی؟ گفتم چهار سال پیش... آن‌ها این مسئله را خیلی عجیب می‌دانستند» (هینی، ۲۰۱۵: ۲۰۸).

۳- زن به‌مثابه منبع زیبایی

شیرکو در بازنمایی زن و زیبایی آن تا حد افسانه پیش می‌رود. هرچند در این بخش انتظاری نیست که او تصویری زشت از زن بیافریند. شیرکو زن را یکی از منابع زیبایی می‌داند. شیرکو می‌گوید یک‌بار بعد از شعرخوانی در ژنو زنی پیشم آمد و گفت مدت‌هاست همچو شعری نشنیده است. او سپس گفت انگلیسی بلدی بگویم: نه! فرانسوی؟ دوباره نه! خوب ایتالیایی؟ معلوم است نه! او خداحافظی کرد و رفت. زنی بود به‌غایت زیبا، زنی سالار! با چشمانی سبز و بینی باریک، افسونی در او بود که مرا در بیخ عمیق خیالی فروکشید، چنان فرورفتنی که بالا آمدنی نداشت. من همچو دانه برف در آن ذوب می‌شوم (شیرکو، جلد ۲ خاطرات، ۲۰۱۳: ۳۲۴).

مرا انتخابی بود سهمگین در میان زن و شعر!

به شعر گفتم بدرود

زین پس سراینده تو نخواهم بود!

زن آمد و شعر برفت

وقتی به دیدگانم قدم گذاشت

و در برابر روحم قد برافراشت

بدون آنکه بدان آگاه باشد

به شعری بلند تبدیل شد!

شیرکو در گفتگو با هینی زندگینامه بعضی از افراد را موردنقد قرار می‌دهد که از وجود و حضور زنان تهی است. زنان در این خاطرات جزو عدم هستند (هینی، ۲۰۱۵: ۴۸). شیرکو در گفتگو با هینی از خصوصیات شعری یکی از شاعران نسبتاً مشهور به نام قباد جلی زاده می‌گوید و در عین شعر او را به خاطر بی‌توجهی به ابعاد روحی و فکری زن به‌نقد می‌کشد که «در حد و اندازه‌ای زیبایی تن نزد

جلی زاده برجسته است، زیبایی‌های جان، زیبایی‌های فکر کمتر مشاهده می‌شود» (هینی، ۲۰۱۵:۳۴۵).

درخت چنار زنی بود
در مسیر شعرم
هر بار که می‌دیدم او را
دو برگ سه برگ را برایم پرت می‌کرد
می‌گفت: آن‌ها را نزد خویش
نگه بدار و به یاد من جمع‌شان کن
در کنار هم قرارشان بده
برای یک دفتر شعر! (شیرکو، جلد ۲ خاطرات، ۲۰۱۳:۱۸۷).

او در جایی می‌گوید در دنیا کسی دیگری به‌اندازه من عاشق زن نیست. او بعد معنوی زیبایی او را مدنظر دارد. گابریل مارکز در کتاب «یادداشت‌های پنج‌ساله» از بیزاری و خستگی داخل هواپیما به ستوه می‌آید و برای رفع کسالت به خواب پناه ببرم. مدتی به کتاب و مدتی مشغول تماشای فیلم شدم هیچ‌کدام پایدار نبود روزی دوستی پیشنهاد عاشق به من داد (۱۳۹۱:۶۹). شیرکو در شعری و با زبانی دیگر همین روایت را نقل می‌کند.

آسمان آبی
مدتی بود، دوست شده بودم با
باران و برف و تگرگ
خسته شدم و آرزو داشتم
به دیدار سبز برسم
رسیدیم... اما دیری نپایید
بیزار گشتم و
در آرزوی خواب زیر آلاچیق و
خوشه‌های انگور افتادم و
آرزویم محقق شد
مدتی بعد. خسته‌دل و
بر آن بودم برگ‌ریزان ببوشاندم و
گوش به لالایی پاییز بسپارم
خسته شدم، مدتی بود
اما وقتی به عشق رسیدم
ای دختر زیبا

به آسمانی آبی تبدیل شد خستگی‌ام
و تو تبدیل شدی به تمامی
فصول (شیرکو، ۲۰۰۹: ۵۶۲).

«اگر ادبیات را بنگری؛ و اگر شعر را با دقت بنگرید. اگر زن را از آن بیرون بیاورید چه چیزی از آن باقی می‌ماند. بدون شک زن باران ادبیات است. اگر این باران نباشد همه چیز خشک خواهد شد» (هینی، ۲۰۱۵: ۱۱۱). من این نکته را می‌دانم که این فرشتگان در حیات من نقشی حیاتی داشته‌اند. آن‌ها مثل آب بودند و نگذاشتند ریشه‌هایم بخشکد (همان: ۴۸۸).
از آب نازک‌تر دختران زیباست
از دختر نازک‌تر اما شعر! (شیرکو، جلدششم، ۲۰۰۹: ۵۱۰).

۴- زن به‌مثابه دوست

یکی از تصویرهای که در هنر شیرکو هست دوستی با زنان است. این تصویر از زن به‌عنوان رفیق یک نوع بازنمایی جدید است. قبلاً نه در شعر و نه در جامعه چنین دوستی رایج نبوده است؛ اما شیرکو در پی خلق دنیای جدیدتری برای زنان است. او در میان شاعران هم دوستان زیادی داشت و در اشعار مختلفی از آن‌ها یاد می‌کند. او حتی از این فراتر می‌رود و ارتباط خود با مردان را به شرایط جامعه خویش مرتبط می‌داند. «من اگر فردی اروپایی می‌بودم تمام دوستانم را زنان تشکیل می‌دادند» (شیرکو، ۲۰۱۳: ۴۲۲). درجایی دیگر و در مصاحبه‌ای بیان می‌دارد که «من در میان زنان دوستان زیادی دارم، در میان جوانان، در میان دانشجویان دانشگاه، حقیقتاً، در حقیقت من گفتگو با زنان را بسیار دوست می‌دارم. آن‌ها خیلی از مردان مهربان‌ترند» (هینی، ۲۰۱۵: ۱۰۷). «بخش زیادی از دنیای زنان آرامش، گذشت، زیبایی و حمایت است» (همان: ۱۰۹).

شیرکو همچو دوستی و رفاقت با مردان در رنج و ناراحتی این دوستان مشارکت می‌کند. در شعر ذغال که آن را برای نجیبه احمد^۱ می‌نویسد می‌گوید: «تقدیم به رنج‌های نجیبه خواهر و دوست»

ذغال

در یک‌شب بورانی

بیتی از شعر ... جایم گذاشت و

در آتشدان دل زن شاه جایی گرفت

فریاد زدم: نرو... نکن

خود را به ناشنوایی سپرد

وقتی کلاه سرش گذاشتند و بیرونش کردند

۱- نجیبه احمد، کارشناس ادبیات کردی از دانشگاه سلیمانیه، متولد ۱۳۵۴ شهر کرکوک، نویسنده، شاعر و مترجم است

در سپیده‌دم، غمگین، زبون بازگشت
 دقت کردم تبدیل شده بود به حبه ذغال
 گرفتمش، در شباهنگام آن را آتش زدم
 و با آن، یکی از نامه‌های عاشقانه سرمازده، مجاله
 پریده از قفس نجیبه احمد را
 گرم نمودم (شیرکو، جلد اول، ۲۰۰۹: ۵۹۷).

۵- زن به‌مثابه فرد انقلابی

در این تصویر شیرکو به بازنمایی چهره زنان انقلابی می‌پردازد. انسان‌های بارآزاده مصمم، راهنما و پیشرو که نه فقط در فکر رهایی خویش بلکه در فکر رهایی از استعمار و رسیدن به آزادی هستند. در این بخش شیرکو از زنانی می‌گوید که در جنبش رهایی‌درگیر شده‌اند. نگاه شیرکو به زن نگاه به یک موجود ضعیف، درمانده در حاشیه مانده نیست. بلکه نگاهی که زن را سرشار از انرژی و توان می‌یابد. او در شعرهای مختلفی به ستایش زنانی می‌پردازد که نه تنها در فکر رهایی خویش بلکه در فکر رهایی یک جامعه هستند. شیرکو هر زنی را از هر ملتی واجد چنین شرایطی می‌داند. این زنان هم در میان زنان کرد و هم در میان زنان دگر ملل بوده و شیرکو برای هر دو شعر سروده است. به‌عنوان مثال او برای لیلا قاسم^۱ از کردستان و جمیله بو پاشا از الجزایر شعر سروده است.

دریاچه‌ای به عقد افقی درآمد
 در آغوش فصل سوم
 در سپیده فراز کوه‌ها
 دختری به دنیا آوردند... دنبالی اسمی برایش گشتند
 تمام کوه‌ها جمع شدند
 کل پرندگان روی درخت نیز
 همه یک‌صدا اسم او را گذاشتند
 «لیلا» (شیرکو، ۲۰۰۹: ۵۳۹).

در شعر دیگری به ستایش جمیله بو پاشا^۲ دختر پیکارجوی الجزایر می‌پردازد. شیرکو در شعری به ستایش او می‌پردازد.

۱. لیلا قاسم متولد ۱۹۵۲، لیسانس جامعه‌شناسی از دانشگاه بغداد، یکی از مبارزان سرسخت حکومت بعث، در سال ۱۹۷۴ توسط دولت عراق اعدام شد. آرامگاه او در قبرستان وادی اسلام شهر نجف است.

۲. متولد ۱۹۳۸ الجزایر و عضو جبهه ملی آزادی بخش الجزایر، که مبارزات شدیدی را علیه استعمار فرانسه انجام داد. سرانجام دستگیری و در زندان شکنجه شد و با آزادی الجزایر او نیز از زندان فرانسه آزاد شد. کتاب او با نام جمیله بوپاشا دختر پیکار جوی الجزایر به زبان فارسی ترجمه شده است.

آموزش

جمیله زلف بلند رازهای الجزایر را
می‌آراست و بدو می‌گفت
میهن من
گر دست راست مرا قطع کردند
چپ را یاد می‌دهم
تا اسمت را دوباره بنویسید
گر چپ را بریدند
انگشتان پاهایم را آموزش می‌دهم
تا نامت را بنویسند
بعد از قطع دست و پایم
با فریاد اسمت را مرقوم می‌کنم
و گر فریاد مرد... من نگاه را یاد داده‌ام
که چگونه اسمت را در چشمان
ترس و بیم جلادان منقوش کند
میهن من
(شیرکو، جلد اول، ۲۰۰۹: ۶۰۴).

۶- زن به‌مثابه قشری مورد ستم

در شعر شیرکو تصویر مصلوب شده از زن کشیده می‌شود که در بند جامعه مردسالار است. شیرکو مدافع سرسخت حقوق زنان است. در ۳۱ سالگی وقتی اولین اطلاعیه مکتب دیدگاه نوشته می‌شود شیرکو و جمعی دیگر از نویسندگان از حق زنان دفاع می‌کنند. به همین خاطر عده‌ای زیادی در مقابل آن‌ها قرار می‌گیرند. آن‌ها را تهدید به مرگ می‌کنند و حتی خانه شیرکو را سنگ‌باران می‌کنند. او می‌نویسد «من از مدت‌ها پیش دوست و حامی حقوق و آزادی زنان بوده‌ام. در سال ۱۹۷۱ و در هنگامی بی‌انته دوم مکتب دیدگاه را نوشتیم که در آن از حق برابر برای زنان دفاع شده بود مورد فشار قرار گرفتیم و روزی خانه ما در سلیمانیه سنگ‌باران شد» (شیرکو، ۲۰۱۳: ۲۲۵).

شیرکو یکی از اولین وظایف ادبیات را دفاع از حق زنان می‌داند. «من همیشه چنین اندیشیده‌ام؛ پیام ادبیات و مدرنیته بدون پیام پیشرفته فکری دمکراسی و اجتماعی ناتمام و ناقص است. شما همچو روشنفکر و ادیب لازم است در مورد مسئله زنان حرف خویش را داشته باشید، دفاع از پایمال شدن حق و حقوق انسان، سرکوب و ستم بر زنان و هر مسئله دیگر پیش از هر فرد دیگری، کار و پیام نویسندگان و ادیبان است» (شیرکو، ۲۰۱۳: ۲۲۶).

بید مجنون
 بید مجنون زنی است لگدکوب
 تمنایی مرد
 گیس کشیده شده با دست‌های مرد
 و فرمان‌بر مردی مست
 و این است دلیل گوژپشتی بید مجنون!
 به‌طور مشخص زن به‌مثابه انسان، از مادرم تا معشوق و رفیق نقشی بزرگ داشته‌اند... بر این باورم
 بدون زن شعر ناممکن است.
 باد بی‌جهت نیست چنین زوزه می‌کشد
 او فریاد یک زن مشرقی پریشان مویی است
 که مردی در هیبت چاقویی
 دنبالش می‌کند
 در شعر یوغ می‌گوید
 ای فریاد غرق خون زن
 خواهان چگونه برابری هستی
 که برسی به من!
 که هنوز مردی هستم
 نگهبان خرافات و یوغ در گردن اوهام و
 عقلم در زندان است؟! (شیرکو، جلد ۸، ۲۰۰۹: ۳۲۴).

۷- زن همچو انسان

شیرکو وقتی از زیبایی یا مهربانی یا رنج زن سخن می‌گوید هیچ مکان و زمانی برای او مهم نیست. می‌داند صفات انتسابی ناپیوستگی مبنای امتیاز یا بی‌امتیازی قرار گیرد. او از همان ورود به حیات از شهری سخن به میان می‌آورد که ادیان مختلف در کنار هم با آرامش زندگی می‌کرده‌اند. شیرکو که از مادری مسلمان به دنیا می‌آید مامایشی زنی مسیحی بوده است او می‌گوید: «من خوشحالم که خانمی مسیحی صلیبی بر پیشانیم کشیده است. این علامتی از تفاهم دو دیدگاه مختلف در شهری کوچک است» (هینی، ۲۰۱۵: ۴۵). «بعد از شعر اگر یک مسئله اجتماعی وجود داشته باشد که من برای تلاش کرده باشم یا برای آن کارکنم دفاع از حق زنان و پیام یکسانی و برابری است» (شیرکو، ۲۰۱۳: ۴۲۲). یا هنگامی در میان اعراب جنوب کار می‌کند رنج زنان عرب مثل رنج زنان روستاهای کردستان به تصویر می‌کشد: او از زن عربی به نام «ام اسعد» سخن می‌گوید که رنج روزگار او را سوزانیده است:

... «ام اسعد» همسایه ماست

همچون دودکش، قامت او سال‌های عمرش سیاه گشته است
صورت او نانی است سوخته! قامت او به شاخه خشکیده درخت خرما می‌ماند که در کنار تنور
گذاشته است

زخمی است پویا، یک‌چیزند دست‌وپا چوب آتش او (شیرکو، جلد دو، ۲۰۰۹: ۱۰۰).
«معتقدم در هر جامعه‌ای از این سوی دنیا تا دگرسویی آن، اگر زاننش آزاد نباشند مرد هم آزاد
نیست، کودکان هم همین‌طور، این جامعه ایست بدون فردا، آزادی زن معیاری برای تمام گونه‌های
آزادی، دمکراسی، تمدن، جامعه مدنی و تمامی پیشرفته‌هاست، اما لازم است زنان به اولین مدافع
وکیل حقوق خودشان تبدیل شوند» (شیرکو، ۲۰۱۳: ۴۲۲).

در دیوان «گردنبند» و در مورد «بید مجنون» می‌نویسد

بید مجنون زنی است

مردی لگد کوفته بر پشت او

مرد زلفش را کشیده است

مرد بر گرده‌اش سوار است

این است دلیل خمیدگی او (شیرکو، جلد هفتم، ۲۰۰۹: ۳۲).

شاعر در روز زن این‌چنین باشکوه از زن یاد می‌کند:

امروز روز نقره‌ای ... سر مو آغشته با تلاء لو و

قامت پوشیده با گلبرگ شکوفه‌های توست، ای چشمه وجودمان، زن

امروز روز جبین نورانی سپیده عاشقانه توست، ای قامت حیات، زن

اکنون هنگام ترانه توست (شیرکو، جلد چهارم، ۲۰۰۹: ۷۵۷).

نتیجه‌گیری

شیرکو در دورانی زندگی می‌کند که جامعه کردستان در معرض تهدید نسل‌کشی انسانی و فرهنگی
است. او با شعر خویش در مقابل جبهه ستمگری، در جبهه آزادی‌قراری می‌گیرد. زور و ستم در جهات
مختلف چشمانش را به سوی نابرابری و بی‌عدالتی در حوزه‌های مختلف اجتماعی می‌گشاید. او شعر را
به‌عنوان رساله در خدمت آزادی و عدالت به کار می‌گیرد. یک دوالیسم خیر و شر، سیاهی و سفیدی
در شعر او بازنمایی می‌شود. شیرکو بر ضد بی‌عدالتی و ناآزادی شعر می‌گوید. مکان و زمان تنها از
آن روی برای او مهم است که در یکی ممکن است انسان بیشتر مورد خشم و خشونت و بی‌عدالتی
قرار گیرد. اگر یکی از موضوعات دیوان همه شاعران زن باشد اما شیرکو با نگاه خویش تصویری خاص
از زن در ذهن دارد که در اشعارش نمایان می‌شود. سرودن شعر در سه حالت زن به‌مثابه مادر، همسر
و یار چیز غریبی نیست اما نگرش به زن به‌عنوان دوست، رزمنده، مسئله اجتماعی و انسان تصویری

کاملاً جدید و به‌روز است. شاید شاعر به‌نوعی دچار افراط شده است و در تمامی نمونه‌ها، تصویری بسیار مثبت از زن نمایش داده می‌شود. قطعاً زن به‌عنوان همسر، به‌عنوان دوست و در هر الگوی دیگری دارای ضعف و کاستی و نقصان هم هست. در واقع شیرکو تصویری به کلی مثبت از زن ساخته است که نوعی ذات‌گرایی را القاء می‌نماید. او زن را باران ادبیات می‌داند که بدون حضور آن ادبیات خشک و شکننده می‌شود. شیرکو در حالیکه از دیگران انتقاد می‌کند که در زیبایی زن به جسم او نظر دارند نه روح او، ناخودآگاه در بعضی از شعرهای اروتیک این پیام خویش را فراموش می‌کند.

شیرکو وضعیت و جایگاه زن را به‌عنوان یک شاخص توسعه اجتماعی و سیاسی مدنظر قرار می‌دهد و می‌گوید در جامعه‌ای که زن آزاد نباشد و حق انتخاب نداشته باشد در آن جامعه نه آزادی هست و نه عدالت، نه جامعه مدنی وجود دارد و نه دموکراسی.

شیرکو پیام ادبیات را دفاع از آزادی و عدالت تعریف می‌کند و معتقد است اگر غیر از شعر، مسئله دیگری برای فعالیت انتخاب می‌گیرد مسئله زن و پیگیری خواست‌های او بود. چنانچه در فرهنگ کشورهای عربی شایع است در کردستان عراق، اسم فرزند همراه با اسم پدر می‌آید به همین خاطر شیرکو بی‌کس یعنی شیرکو پسر بی‌کس که اسم و یا لقب پدر او بوده است. او همین نکته را موردی از پدرسالاری برمی‌شمارد و به همین خاطر شیرکو در یکی از جلسات اعلام می‌دارد از این تاریخ من را «شیرکو شفیع» صدا بزنید و نه شیرکو بی‌کس. او به‌صورت عملی هم تا توانسته است در عملی سازی اهدافش کوشا باشد.

در سرزمین عقل قفل شده و

بدون کلید من، اگر مرد

در میهن شمالوی من، اگر مرد

کور رنگ هم بوده و به منتهی‌الیه نقطه علیل بودن سقوط کند

در آستانه مرگ

عصایی در دست دارد

برای کوبیدن زن! (شیرکو، جلد پنجم، ۲۰۰۹: ۳۵۱).

آنچه در این میان موردنقد شاعر است نقد عقل بسته است. عقلی که اهل گذشت و تفکر و مدارا نیست. عقلی که دیگری متفاوت را نه‌تنها نمی‌پذیرد بلکه آن را در ردیف ضد و دشمن تعبیر می‌کند و با از در ناسازگاری وارد می‌شود و تا زمانی که این عقل تغییر نکنند در بر این پاشنه خواهد چرخید.

منابع

- آبوت، پاملا و والاس، کلو. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمه‌ی منیژه نجم‌عراقی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- ازکیا، مصطفی و دربان آراسته، علیرضا. (۱۳۸۲). *روش‌های کاربردی تحقیق*. تهران: کیهان.
- اعتمادی، بابک. (۱۳۹۵). *دانشنامه‌ی دانستی‌ها*. تهران: پیام عدالت.
- ایرانی، محمد و کنعانی، سمیرا. (۱۳۹۶). مضمون‌آفرینی‌های شیرکو بی‌کس با نوسازی تلمیح به داستان پیامبران. *فصلنامه‌ی ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*. ۱۵، ۱-۲۸.
- بارکر، کریس. (۱۳۸۷). *مطالعات فرهنگی، نظریه و عملکرد*. ترجمه‌ی مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پشبادی، یدالله. (۱۳۹۶). تخیل خلاقانه و تصویرپردازی مبتنی بر آن در شعر شیرکو بی‌کس و محمود درویش: «مدیخ الظل العالی» و «دربنده‌ی پهلوه». *پژوهشنامه‌ی ادبیات کردی*. ۳، ۸۳-۱۰۹.
- تامپسون، جان. (۱۳۹۶). *رسانه‌ها و مدرنیته، نظریه‌ی اجتماعی رسانه‌ها*. ترجمه‌ی مسعود اوحدی، تهران: سروش.
- تباری، پیمان؛ پارسا، سید احمد و گذشتی، محمدعلی. (۱۳۹۶). انعکاس اوضاع اجتماعی در اشعار شیرکو بی‌کس. *فصلنامه‌ی زبان و ادب فارسی*. ۹ (۳۰).
- حیدری، آرمان؛ ابتکار، محمدحسین و محقق، عبدالمجید. (۱۳۹۶). واکاوی مفهوم زن در ضرب‌المثل‌های لری با تأکید بر بعد نابرابری جنسیتی. *دوماهنامه‌ی فرهنگ و ادبیات عامه*. ۵ (۱۹۵)، ۲۱۷-۲۲۱.
- خزلی، مسلم و سلیمی، علی. (۱۳۹۵). زن در آیین‌های ضرب‌المثل‌های کردی و عربی. *نشریه‌ی ادبیات تطبیقی*. ۸ (۱۵)، ۱۱۳-۱۳۵.
- دلایی، میلان و فهری، سلیمان. (۱۳۹۷). بررسی بازتاب نمادهای اسطوره‌ای در اشعار احمد شاملو و شیرکو بی‌کس. *پژوهشنامه‌ی ادبیات کردی*. ۴ (۵)، ۲۴۷-۲۷۵.
- سر، میشل. (۱۳۸۵). نقد عقل مدرن، گفتگوی رامین جهاننگلو با میشل سر، جلد اول، تهران: نشر فرزانه.
- سینا، خسرو. (۱۳۹۶). *هویت فرهنگی و سینمای کرد*. قم: نشر لوگوس.
- عسگری حسنکلو، عسگر. (۱۳۸۸). سیر نظریه‌های نقد جامعه‌شناسی ادبیات. *ادب پژوهی*. ۱۴، ۴۳-۶۴.
- علوم، محمدعلی. (۱۳۹۴). شرحی مختصر بر منظومه‌ی شیرکو بی‌کس. سایت ادبی فرهنگی حضور.
- قره‌باغی، علی‌اصغر. (۱۳۸۳). *واژگان و اصطلاحات فرهنگ جهانی بازنمایی*. مجله‌ی گلستانه، ۵۸، ۳۷-۴۱.
- مارکز، گابریل گارسیا. (۱۳۹۱). *یادداشت‌های پنج‌ساله*. ترجمه‌ی بهمن فرزانه، تهران: ثالث.
- مالمیر، تیمور. (۱۳۹۶). *مطالعه‌ی تطبیقی عشق و سیاست در اشعار شیرکو بی‌کس و حمید مصدق*. *پژوهشنامه‌ی ادبیات کردی*. ۳ (۴)، ۱-۳۰.
- محمد، پوراحمد؛ کریمی، جلیل و معروف‌پور، نشمیل. (۱۳۹۱). مطالعه‌ی تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی (مورد مطالعه: گویش سورانی - مکرانی). *زن در فرهنگ و هنر*. ۴ (۳)، ۶۵-۸۳.
- مهدی‌زاده، سید محمد. (۱۳۸۷). *رسانه‌ها و بازنمایی*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ملکی، ابراهیم. (۱۳۸۹). بررسی بازنمایی زنان در ترانه‌های فولکلوریک لکی و لری. *فصلنامه‌ی علوم اجتماعی*. ۴۹، ۲۱۹-۲۵۰.
- نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۸۳). *مردم‌شناسی جنسیت*. تهران: نشر افکار و سازمان میراث فرهنگی.

ورزنده، امید و وفايي، مژگان. (۱۳۹۴). انسان، مبارزه و عشق در شعر شیرکو و شاملو. فصلنامه‌ی زبان و ادب فارسی، ۹ (۲۴).

هال، استوارت. (۱۳۹۱). معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی. ترجمه‌ی احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
 هام، مکی. (۱۳۸۲). فرهنگ نظریه‌های فمینیستی. ترجمه‌ی فیروزه مهاجر؛ نوشین احمدی خراسانی و فرخ قره‌داغی، تهران: نشر توسعه
 هولستی، ال. آر. (۱۳۸۳). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی. ترجمه‌ی نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

نهدونیس (۲۰۰۸). منداآلی، شاعر، تاراوگه. وەرگیرانی نه‌وزاد نه‌حمه‌د، سلیمانی: سه‌رده‌م.
 باخان نه‌حمه‌د، همه‌مین. (۱۳۹۷). پایه‌له‌ی سه‌ره‌ک و اتا‌کانی پیری و ته‌نیایی و مردن له هه‌ردوو شیعی
 شماره ۱۹ له دیوانی «حه‌فتا په‌نجره‌ی گه‌رۆک» و «پاییز له ناو پاییزدا» شیرکو بی‌کس.
 پژوهشنامه‌ی ادبیات کردی، 5 (6)، 165-147.

بی‌کس، شیرکو. (۲۰۰۹). دیوانی شیرکو. سوید.
 بی‌کس شیرکو. (۲۰۱۳). نووسین به ناوی خۆله‌میش. سلیمانی: غه‌زه‌لئوس.
 بی‌کس شیرکو. (۱۳۹۴). ئینستا کچیک نیشتمانمه. تاران: اریوحان.
 بی‌کس شیرکو. (۱۳۹۵). ژن و باران. تاران: اریوحان.
 سه‌ججادی، به‌ختیار. (۱۳۹۶). لیکدانه‌وه‌ی شیوازاناسانه‌ی قوتابخانه‌کانی روانگه و کفری: به سه‌رنجدان به شیعی
 شیرکو بی‌کس و له‌تییف هه‌لمه‌ت. پژوهشنامه‌ی ادبیات کردی، 4 (131-172).
 شالو، جه‌عفر. (۲۰۱۴). خامه‌کان بو شیرکو ده‌دوین. جه‌مال عیرفان، سلیمانی.
 هه‌ینی، شیرزاد. (۲۰۱۵). ۹۵۵ ده‌قیقه له‌گه‌ل شیرکو. سلیمانی: ده‌زگای رۆشنییری جه‌مال عیرفان.

Demos, V., & Segal, M. T. (2018). Women's Places: An Introduction to Gender and the Media'. *Gender and the Media: Women's Places (Advances in Gender Research, Volume 26)*. Emerald Publishing Limited, 1-12.

Representation of Women in Sherko Bikas Poems

Hossein Mohammadzadeh¹

Abstract

Sherko Bikas was a famous poet that published more than forty books during fifty five years of his life in producing literary work. His poem is the story of social life and pain of being in the current society. One main topic in Sherko works is women. The goal of this study is the assessment of the representation of role of women in his poems. The theoretical base rooted in the representation theory. The method of study was qualitative content analysis. The sample is the whole complex of Sherko works (8 vol, 2009) as well as two main books called Sherko autobiography (2013) and 955 minute interview with Sherko (Heiny, 2014). The analysis shows that woman is a central theme and image in whole life of Sherko, and is represented as the symbol of mother, wife, and friend, and beauty, revolutionary, human and social progress. All these images of women in his works are positive.

Key words: Poem, Representative, Sherko, Women.

1. Assistant Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Payame Noor University